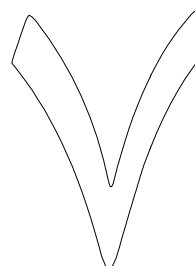


عفو بین الملل،
دیده بان حقوق بشر
و وضعیت حقوق بشر در
جمهوری اسلامی ایران:
یک ارزیابی از تعامل دوجانبه

دکتر محمودرضا گلشن پژوه*



* دکتر محمودرضا گلشن پژوه، فارغ التحصیل دکترای روابط بین الملل دانشگاه تهران و مدیر گروه مطالعات حقوق بشر مرکز تحقیقات استراتژیک می باشد. (mrgp_1@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۱

فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۸۲-۱۶۳.



چکیده

سازمان‌های غیردولتی عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر از جمله مطرح‌ترین و تأثیرگذارترین سازمان‌ها در حوزه نظارت بر حقوق بشر در سطح بین‌المللی هستند که در مواردی می‌توانند با گزارش‌ها و بیانیه‌های خود، توجه جهانی را به وضعیت حقوق بشر در یک کشور جلب نموده، حتی منجر به تغییر سیاست‌های حقوق بشری در یک کشور شوند. این مقاله تلاش دارد با بررسی تاریخی و نوع تعامل این سازمان‌ها با نظام جمهوری اسلامی، ضمن ارائه تصویری روشن از جنس تعامل دوجانبه، به ارائه راهکارهایی برای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش امکان بهره‌برداری از این تعامل از سوی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

واژه‌های کلیدی: حقوق بشر، عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران



درآمد

طی چهار دهه گذشته، سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند با افزایش کمی و کیفی فعالیت‌های خود، به عنصر تأثیرگذاری در فرایندهای مختلف بین‌المللی همچون محیط زیست، حقوق بشر، بهداشت، تجارت، سیاست، آموزش و... تبدیل شوند. در این میان سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه‌های حقوق بشری، با استفاده از ابزارهای خاص خود در سه حوزه تدوین قانون، اجرای قانون و نظارت بر اجرای آن توانسته‌اند در کنار نهادهای رسمی و بین‌المللی درگیر در مسائل حقوق بشر، نقش بسیار پُررنگی را به‌خصوص در امر نظارت برای خود تعریف نموده و با اطلاع‌رسانی از حوزه‌های پیشرفت و پسرفت دولت‌ها در امر حقوق بشر، جوامع داخل و خارج از کشور را نسبت به موارد ادعایی نقض حقوق بشر حساس سازند. سازمان‌های غیردولتی عفو بین‌الملل^۱ و دیده‌بان (ناظر) حقوق بشر^۲ به واسطه سابقه و همچنین بین‌المللی بودن^۳ فعالیت‌های خود، ابزارهای مؤثر و متعددی را برای تأثیرگذاری بر روندهای حقوق بشر جهانی دارا هستند. این مقاله تلاش دارد تا با بررسی نوع و گستره فعالیت ایشان در کل و با نگاهی خاص به وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی، به ارزیابی و آسیب‌شناسی این تعامل دوسویه بنشیند.

1. Amnesty International

2. Human Rights Watch

۳. سازمان‌های غیردولتی که حوزه فعالیت خود را در بیش از دو کشور قرار می‌دهند، بین‌المللی می‌نامند.

عفو بین‌الملل

الف - تاریخچه و حوزه فعالیت

سازمان عفو بین‌الملل یکی از مهم‌ترین و بانفوذترین سازمان‌های غیردولتی است که در سطح دنیا در ارتباط با حقوق بشر فعالیت می‌کند. این سازمان در سال ۱۹۶۱ توسط یک حقوق‌دان انگلیسی به نام پیتر بنسون^۱ ایجاد شد. هدف اصلی از تأسیس سازمان مزبور نظارت بر رعایت کلیه مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر است و در همین راستا در سه زمینه فعالیت دارد:

- الف - تلاش برای آزادی کلیه زندانیان عقیدتی از زندان که به دلیل پایبندی به عقیده و یا به خاطر رنگ، تعلقات قومی، زبان و دین خود در توقیف به سر می‌برند؛
- ب - تلاش برای تشکیل محاکم عادلانه برای تمام زندانیان سیاسی که بدون اتهام یا محاکمه در بازداشت به سر می‌برند؛
- پ - مخالفت بدون قید و شرط با اعدام، شکنجه و دیگر رفتارهای خشن و غیرانسانی یا مجازات‌ها و اعمال ناشایست نسبت به کلیه زندانیان (گلشن‌پژوه، ۱۳۷۷).

عفو بین‌الملل در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مقام مشورتی خاص^۲ داشته و با شورای اروپا، اتحادیه افریقا و سازمان کشورهای امریکایی نیز روابط رسمی دارد. سازمان عفو بین‌الملل یکی از سازمان‌هایی است که در تأسیس کمیساریای عالی ملل متحد برای حقوق بشر (۱۹۹۳) و دیوان کیفری بین‌المللی در کنفرانس رُم (۱۹۹۸) نقش بسیار مؤثری داشته و تلاش‌های مداومی را به منظور مجازات اعضای دولت‌های گذشته که مرتکب نقض حقوق بشر شده‌اند و هم‌اکنون بر مسند کار نیستند، به انجام رسانده است. به‌ویژه به دلیل تلاش‌هایی که برای آزادی زندانیان آرژانتینی انجام داد، به واسطه همین فعالیت‌ها، عفو بین‌الملل در سال ۱۹۷۷ موفق به دریافت جایزه صلح نوبل گردید. در حال حاضر به نظر می‌رسد بعد

1. Peter Benenson

۲. مقام مشورتی این قدرت و اختیار را به سازمان دارنده آن می‌دهد تا در جلسات نهادهای بین‌المللی شرکت کرده، نظرات خود را در صحن جلسه به صورت شفاهی و حتی کتبی خطاب به نمایندگان دولت‌ها ایراد کند.

از سال ۲۰۰۰ دستورکار عفو بین الملل به چالش های برآمده از جهانی شدن و و تأثیرات حملات ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده معطوف شده است. حتی به نظر می رسد در سال های اخیر، دامنه کار سازمان با در بر گرفتن حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی - حوزه ای که در گذشته از سوی عفو بین الملل کمتر روی آن کار شده بود - گسترش یافته است.^۱

اعضای سازمان عفو بین الملل از کشورهای مختلف بوده و به صورت افتخاری و داوطلبانه با این سازمان همکاری می کنند. البته طبق مقررات اساسنامه، هیچ عضو این سازمان نباید در مورد کشور خود فعالیت کند تا هم بی طرفی سازمان حفظ شود و هم امنیت اعضا بهتر تأمین شود. از جمله منابع اطلاعاتی عفو بین الملل می توان به صدها روزنامه و مجله و بولتن، برنامه های رادیویی، گزارش های حقوقدانان و سازمان های بشردوست و همچنین نامه های خود زندانیان و خانواده های آنان اشاره کرد. این سازمان در عین حال هیئت های پژوهشی خود را جهت تحقیقات محلی، نظارت بر محاکمات، دیدار از زندانیان و مصاحبه با مقامات دولت ها به مناطق مختلف می فرستد. عفو بین الملل گزارش های سالانه ای در مورد فعالیت های خود از جمله در خصوص میزان پایبندی دولت های مختلف به ارزش های حقوق بشری تهیه و موارد نقض حقوق بشر را در آنها منتشر می کند. این سازمان به طور مرتب گزارش های خاصی نیز در مورد کشور یا موضوع مورد توجه خویش تهیه می کند. خبرنامه عفو بین الملل نیز که به صورت ماهانه منتشر می شود، مجموعه اقدامات این سازمان را در زمینه حقیقت یابی، آزادی زندانیان و نیز موارد مهم نقض آزادی های اساسی منعکس می سازد. عفو بین الملل وبسایت فعالی در زمینه حقوق بشر نیز دارد^۲ که به شکلی مداوم به روزرسانی شده، اخبار مربوط به ادعاهای نقض حقوق بشر در سراسر جهان را در کمترین زمان ممکن، به اطلاع اعضای خود و یا سایر علاقمندان به مسائل حقوق بشری می رساند.^۳

۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/who-we-are>

2. <http://www.amnesty.org>

۳. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

<http://www.amnesty.org/en/who-we-are/about-amnesty-international>





ب - نگاهی کلی به عملکرد سازمان

عفو بین‌الملل مدعی است وظیفه خود در جهت بررسی بی‌طرفانه و غیرگزینشی وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان را با وجود مشکلات بسیار، به‌خوبی انجام می‌دهد و مصداق این ادعا را گزارش‌های متعدد خود در خصوص وضعیت حقوق بشر در غرب می‌داند. براین اساس، طبق گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، مهم‌ترین موضوعی که به‌عنوان نقض حقوق بشر از جانب ایالات متحده مورد ملاحظه و بحث محافل داخلی و بین‌المللی قرار گرفته و عفو بین‌الملل بیش از سایر موارد به آن پرداخته، مجازات اعدام است.

علاوه بر این موضوع، مسائلی چون تهدید اصول عدالت به وسیله اعمال نظم ریاستی بر دادگاه‌های نظامی، وضعیت بازداشت‌شدگان در گوانتانامو به‌خصوص پس از ۱۱ سپتامبر و در جریان مبارزه علیه تروریسم، جرایم جنگی و سوءرفتار با اسیران جنگی و نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جریان جنگ عراق و اشغال این کشور به‌ویژه در زندان ابوغریب، شکنجه و سوءرفتار نسبت به افراد بازداشت‌شده در جریان جنگ افغانستان، از موارد مورد تأکید سازمان عفو بین‌الملل در مورد امریکاست.

این نگاه در خصوص اقدامات ضد حقوق بشری رژیم صهیونیستی نیز مصداق دارد، بگونه‌ای که مسئولان عفو بین‌الملل معتقدند بسیاری از گزارش‌های مربوط به افشاگری در خصوص جنایات ارتش رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی، از سوی این سازمان تهیه و منتشر می‌شود. آنان عملکرد اعضای عفو در اجلاس سپتامبر ۲۰۰۹ شورای حقوق بشر به‌هنگام ارائه گزارش قاضی گلدستون در خصوص جنگ ۲۲ روزه غزه را مصداقی بر این ادعا می‌دانند.^۱

بااین‌وجود، برخی منتقدان معتقدند در فعالیت‌های عفو بین‌الملل موضوعات

۱. به‌عنوان مثال به دو گزارش عفو بین‌الملل در این خصوص مراجعه شود:

UN vote on Goldstone report a defining step for accountability

- <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/un-vote-goldstone-report-defining-step-accountability-20091106>

- Lives lost, lives destroyed in Gaza, <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/lives-lost-lives-destroyed-gaza-20090122>

مربوط به حقوق مدنی - سیاسی به طور کامل بر حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ارجحیت دارد و در واقع عفو بین الملل در مورد حقوق نسل دوم و سوم^۱ فعالیتی نداشته است. اتهاماتی نیز به این سازمان در خصوص عدم رعایت بی طرفی وارد شده است. این امر به خصوص درباره اتهامات تعدادی از دولت‌ها به این سازمان مبنی بر تمرکز مغرضانه سازمان بر وضعیت حقوق بشر در آن کشورها و عدم توجه به پیشرفت‌های حقوق بشری در آنان مطرح شده است (گلشن پژوه، ۱۳۸۶).

ج - تعامل با جمهوری اسلامی ایران

هرچند در سوابق فعالیت‌های عفو بین الملل، مواردی از اعتراض به نقض حقوق بشر در دوران حکومت پهلوی، به خصوص در حوزه بازداشت‌های غیرقانونی، شکنجه زندانیان، اعدام و غیره به چشم می‌خورد، با این حال سازمان مذکور پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های گسترده‌ای را در مورد ارزیابی مسائل حقوق بشر در ایران داشته و آنها را طی گزارش‌های متعددی در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران منتشر نموده که عمدتاً دارای جهت‌گیری‌های منفی هستند. در مقابل ایران نیز تاکنون اغلب با سیاست عدم پاسخگویی به درخواست‌ها و ادعاهای این سازمان، هیچ‌گونه همکاری منسجم یا برنامه‌ریزی شده‌ای با آن نداشته است.

شکل و ماهیت ارتباط سازمان غیردولتی عفو بین الملل با ایران در چهار دوره قابل تقسیم است: سال‌های اولیه انقلاب تا سال ۱۳۷۰؛ سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲؛ سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶؛ و سال‌های پس از ۱۳۷۶.

۱. نسل‌های حقوق بشر را به سه دسته تقسیم می‌کنند: نسل اول دربرگیرنده حقوق سیاسی و مدنی است، نسل دوم به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطلاق می‌شود و نسل سوم مربوط به حقوق همبستگی همچون حق توسعه، حق دارا بودن محیط زیست سالم و... است. اطلاق عنوان نسل، بیشتر از آن جهت است که طی دوران خاصی از حیات سازمان ملل، توجه و تمرکز بیشتر روی برخی از حوزه‌های حقوق (فرضاً حقوق مدنی و سیاسی) بوده و به نوعی از سایر مضامین حقوق بشر (همچون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا حقوق جمعی) غفلت می‌شده است.

۱. سال‌های اولیه انقلاب تا ۱۳۷۰

سیاست سازمان عفو بین‌الملل در این دوران غالباً معطوف به انتقاد از وضعیت حقوق بشر در ایران بوده است. این سازمان در قیاس با دیگر سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر در پیگیری مسائل حقوق بشری در ایران بسیار فعال بوده و کوشیده در جهت ارتقای حقوق بشر ایران گام بردارد (Amnesty International, 1983).

سیاست عدم پاسخگویی دولت ایران، نپذیرفتن هیئت‌های سازمان عفو بین‌الملل جهت بازدید، موکول نمودن ارائه پاسخ به اتخاذ اقداماتی از سوی این سازمان از یک سو و درگیری ایران در جنگ با عراق، وضعیت خاص بازداشت‌شدگان و زندانیان در دوران مذکور که غالباً از زندانیان سیاسی دوران اول انقلاب، اعضا و هواداران منافقین و در مرحله بعد، از قاچاقچیان مواد مخدر تشکیل می‌شدند و طبیعتاً روند صدور حکم آنان تحت شرایط ویژه‌ای صورت می‌گرفت و بسیاری موارد دیگر سبب شده بود تا عفو بین‌الملل در گزارش‌های خود، دولت ایران را ناقض شدید قوانین حقوق بشری دانسته و از جامعه بین‌المللی و افکار عمومی، محکومیت ایران را خواستار شوند. (Amnesty International, 1981)

در این دوران به راحتی می‌توان ردپای گزارش‌های عفو بین‌الملل را در گزارش‌های نمایندگان ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران مشاهده نمود. (Reynaldo Galindo Pohl, 2004) همچنین به نظر می‌رسد این سازمان نیز به دلایلی چند همچون توجه نکردن به واقعیت‌های جامعه ایران، آثار مخرب جنگ، قصد قاطع دولت مبنی بر رواج و اجرای قوانین اسلامی و بعضاً تأثیرپذیری از جو منفی حاکم در فضای بین‌المللی علیه ایران، نتوانسته قضاوت‌های عادلانه‌ای را در گزارش‌های خود داشته باشد، به طوری که در مجموع رابطه فیما بین در این دوران افق روشنی را نشان نمی‌دهد.

۲. از سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲

جو منفی مرتبط با مرحله قبل، در این دوران تا اندازه زیادی فروکش می‌کرد، چراکه با آغاز فرار خیل عظیم آوارگان عراق به ایران و ارسال پیام تشکرآمیز دبیرکل عفو



بین‌الملل برای رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در ابتدای سال ۱۳۷۰، باب جدیدی در روابط ایران با این سازمان گشوده شد که حاصل آن سفر یک هیئت از اعضای عفو بین‌الملل به ایران جهت بررسی وضعیت آوارگان عراقی و وضعیت حقوق بشر در عراق بود. در اثنای این سفر طرف ایرانی خواستار اصلاح مواضع آن سازمان نسبت به جمهوری اسلامی ایران گردید. عفو بین‌الملل، با تأکید طرف ایرانی، اقدامات تروریستی منافقین را بررسی و گزارشی در این زمینه منتشر کرد. در این گزارش دخالت این گروه در کشتار مردم بی‌گناه عراقی مورد اشاره قرار گرفته بود. در هر حال، مذاکرات طرفین تا حد برنامه‌ریزی جهت سفر یک هیئت عفو به ایران پیش رفت اما در نهایت در سال ۱۳۷۲ این روند متوقف شد و حالت قبلی دوباره بازگشت (Amnesty International, 1991).

۳. از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶

دوران اخیر شباهت بسیاری با دوران اول دارد. گزارش‌های سالانه عفو بین‌الملل در این دوران همگی حکایت از انتقاد عفو بین‌الملل از وضعیت حقوق بشر در ایران می‌نماید. موضوعاتی همچون *سلمان رشدی* و میکونوس در این دوران در اغلب گزارش‌های عفو به چشم می‌خورند. (Amnesty International, 1997) این‌گونه گزارش‌ها همواره از منبع اولیه نمایندگان ویژه کمیسیون حقوق بشر مأمور بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و همچنین برخی از گزارشگران ویژه موضوعی به حساب می‌آید. در اواخر سال ۱۳۷۶ که ایران میزبان ششمین کارگاه ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در آسیا و اقیانوسیه گردید، در میان فهرست سازمان‌های مدعو کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، نام عفو بین‌الملل نیز مشاهده می‌شود. مقامات ایرانی با توجه به فصل جدید به‌وجودآمده در کشور از سال ۱۳۷۶ و تمایل نسبت به انعکاس هرچه گسترده‌تر تحولات داخلی در افکار عمومی جهان و نیز علاقه‌مندی به گشایش باب جدیدی در روابط با سازمان‌های غیردولتی، با تقاضای شرکت عفو بین‌الملل در این اجلاس موافقت کردند. تماس‌ها و ملاقات‌های هیئت عفو بین‌الملل با برخی از مسئولان وزارت امور خارجه و قوه قضائیه سبب شد تا دیدگاه جدیدی از جمهوری اسلامی ایران برای این سازمان ترسیم شود که تا

اندازه‌ای تأثیر آن بر گزارش‌های بعدی عفو بین‌الملل قابل مشاهده است.

۴. از ۱۳۷۶ به بعد

اگرچه در این دوران انتشار گزارش سالانه (۱۹۹۸) عفو بین‌الملل نویدبخش چرخشی اصولی در این سازمان نبود، اما متن نامه‌های^۱ ارسالی عفو بین‌الملل به جمهوری اسلامی ایران حاکی از تمایل این سازمان به اتخاذ رویه‌های منطقی‌تر است؛ علت این امر را تا اندازه‌ای باید متأثر از تغییر فضای عمومی غرب نسبت به ایران و تمایل آن نسبت به بهبود روابط با ایران دانست. در گزارش‌های منتشرشده طی این دوره گرچه بازهم نسبت به حمایت و دفاع از حقوق بشر و ارتقا و نظام‌مند ساختن آن توجه می‌شود، اما لحن و شیوه بیان این سازمان حالت ملایم‌تری را نشان می‌دهد. با این حال، این روند در اواخر دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی معکوس شد و گزارش‌های عفو بین‌الملل مملو از اطلاع‌رسانی این سازمان به موارد ادعایی نقض حقوق روزنامه‌نگاران، دستگیری‌های خودسرانه، ممانعت‌ها از تجمعات، رعایت نکردن رویه‌های قضایی در دستگیری و بازداشت افراد و... شد (Amnesty International, 2005).

این نگاه در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد نیز ادامه یافت و مطابق با شرایط و رویدادها افزایش پیدا نمود. در این دوران عفو بین‌الملل بارها در گزارشات سالانه و موردی خود به ادعاهایی از قبیل نقض حقوق زنان، حقوق سندیکاهای کارگری، حقوق اقلیت‌های قومی و خصوصاً مذهبی، بسته‌شدن روزنامه‌ها، افزایش شدید موارد اجرای مجازات اعدام، اعتراض به اعدام نوجوانان، نقض حق تشکیل تجمعات صلح‌آمیز، سرکوب مخالفان و ... اشاره نمود. (Amnesty International, 2007)

به هر حال شاید بتوان در یک جمع‌بندی کلی از سه دهه تعامل ایران با این سازمان غیردولتی، وزن رویکردهای تقابلی را به شکلی مشهود بیش از رویکردهای

۱. پیام تبریک عفو بین‌الملل به مناسبت تصدی پست ریاست جمهوری آقای خاتمی و همچنین نامه آن سازمان به معاون قضایی قوه قضائیه مبنی بر ابراز تشکر نسبت به پذیرش هیئت عفو و پاسخگویی به تمام سؤالات آنان.



تعاملی دید. در این راستا جو خاص حاکم بر هر دو طرف معادله، احتمال اعمال نفوذ مخالفان نظام جمهوری اسلامی بر این سازمان از یک سو، همچنین خصوصیات طبیعی یک انقلاب نوپا و تا حدودی عدم آشنایی برخی مسئولان با ماهیت سازمان‌های غیردولتی، اهمیت آنها و چگونگی کار دوطرفه با این سازمان‌ها از سوی دیگر نیز نقش مؤثری را در شکل دهی به این تقابل بازی کرده‌اند.

دیده بان حقوق بشر

الف - تاریخچه و حوزه فعالیت

سازمان دیده بان (ناظر) حقوق بشر در سال ۱۹۷۹ تحت عنوان «ناظر هلسینکی» در پاسخ به درخواست حمایت اعلام شده از سوی گروه‌هایی در مسکو، ورشو و پراگ تأسیس شد و هدف آن نظارت بر رعایت مفاد معاهده هلسینکی بود. چند سال بعد هنگامی که دولت ریگان اعلام نمود نقض حقوق بشر در دولت‌های دست‌راستی اقتدارگرا از نقض آن در دولت‌های دست چپی تام‌گرا قابل تحمل‌تر است، شعبه آمریکایی سازمان نیز جهت بررسی این استاندارد دوگانه ایجاد شد. امروزه این سازمان ادعا دارد بزرگ‌ترین سازمان حقوق بشری مستقر در امریکا است. این سازمان به بررسی مسائلی از قبیل اعدام‌های اختصاری، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، اعمال محدودیت بر آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی مذهب و همچنین اعمال تبعیض در زمینه‌های مذهبی، جنسی و نژادی می‌پردازد.

دیده بان حقوق بشر در نیویورک مستقر است و دفاتری نیز در بروکسل، لندن، مسکو، هنگ کنگ، لس‌آنجلس، سانفرانسیسکو، تاشکند، تورنتو و واشینگتن دارد. این سازمان دارای مقام مشورتی خاص نزد شورای اقتصادی و اجتماعی است. شاخص‌های مورد نظر این سازمان همان قواعد حقوق سیاسی و مدنی مذکور در معاهدات حقوق بشری است. دیده بان حقوق بشر در اساسنامه خود مدعی است سعی دارد هر نوع نقض حقوق بشر را کنترل کند، اعم از اینکه مربوط به فعالان سیاسی شناخته شده باشد یا افرادی عادی چون کارگران، کشاورزان، مهاجران ثبت‌نشده کودکان خیابانی و زنانی که به فساد کشانده شده‌اند.^۱ دیده بان دارای یک

۱. جهت اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: <http://www.hrw.org/en/about>



سایت خبری است که بسیاری از موارد ادعایی نقض حقوق بشر در جهان را در قالب گزارش‌هایی به ۳۸ زبان از جمله فارسی^۱ پوشش می‌دهد.

معروف‌ترین و شاخص‌ترین جهت‌گیری سازمان برای مقابله با موارد نقض حقوق بشر، عمومی ساختن و انتشار وسیع اطلاعات خویش درباره این موارد، به منظور شرم‌نامه ساختن دولت مربوطه نزد شهروندان و نیز در مقابل جامعه جهانی است. دیده‌بان حقوق بشر همچنین با اعمال فشار جهت قطع کمک‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک سایر دولت‌ها سعی در منزوی ساختن دولت‌هایی می‌کند که حقوق شهروندان خود را نقض می‌کنند.

به گفته مسئولان دیده‌بان حقوق بشر، این سازمان اطلاعات خود را از طریق فعالان محلی جمع‌آوری می‌کند. از این راه تحقیقات متناوبی در کشورهای مورد نظر صورت می‌گیرد. البته در برخی مناطق بسیار مهم و بحرانی، سازمان دفاتری را به این منظور تأسیس نموده است. مصاحبه با قربانیان و شهود نقض حقوق بشر، ملاقات با مقامات دولتی، رهبران مخالف، گروه‌های محلی حقوق بشر، رهبران مذهبی، رهبران کارگری، خبرنگاران، وکلا، پزشکان، گروه‌های امدادرسان و هر فردی که بتواند از وی اطلاعات دست اول به دست آورد، جزء شیوه‌های فعالیت این سازمان برای جمع‌آوری منابع است. سازمان تأکید دارد در صورت عدم کسب اجازه ورود به یک کشور، اطلاعات مورد نیاز را از منابع دیگری کسب خواهد کرد.^۲

ب - نگاهی کلی به عملکرد سازمان

ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی برای پذیرش «معاهده منع استفاده از کودک سرباز» در سال ۱۹۹۸، کسب جایزه نوبل به همراه تعدادی دیگر از سازمان‌های غیردولتی به واسطه «مبارزه بین‌المللی برای حذف مین‌های زمینی» در سال ۱۹۹۷، درخواست تشکیل یک دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی برای یوگسلاوی سابق، تدارک مدارک وسیعی در زمینه نقض حقوق بشر برای دادگاه جنایت جنگی رواندا، اعمال نقش

۱. قابل دسترسی در آدرس: <http://www.hrw.org/en/languages?filter0=fa>

۲. جهت اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: <http://www.hrw.org/en/node/75134>

فعال در اقدام قانونی علیه آگوستو پینوشه دیکتاتور سابق شیلی در لندن، تنظیم گزارش نقض حقوق بشر در کوزوو در سال ۱۹۹۰ و بسیاری موارد دیگر از جمله اقداماتی بوده‌اند که دیده‌بان حقوق بشر از آنها به عنوان نقاط عطف کارنامه خود یاد کرده است.

این سازمان همچنین گزارش‌های متعددی را در خصوص موارد نقض حقوق بشر در امریکا ارائه داده و در آنها به مسائلی همچون تخلف امریکا از استانداردهای بین‌المللی در زمینه مجازات اعدام برای افرادی که در سن قبل از ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده و یا به لحاظ روانی دچار مشکل بوده‌اند، موضوع تصویب و اجرای «قانون میهن پرستانه»^۱ توسط ایالات متحده که در راستای ارتقای امنیت منجر به محدودیت و تعدی به حقوق و آزادی‌های مدنی و اساسی شهروندان این کشور شده، وجود سوءرفتار، شکنجه و مرگ در بازداشت و استفاده وسیع از زور توسط پلیس و افسران زندان‌ها از جمله ایزوله کردن و کاربرد سگ در آزار زندانیان، محرومیت از خواب، تهدیدهای مرگبار و سایر اشکال شکنجه یا رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده به‌عنوان تکنیک‌های بازجویی از آنها - به‌خصوص در قبال مظنونان به تروریسم که در گوانتانامو نگهداری می‌شوند - اشاره نموده است.^۲

با این حال و با وجود ادعای دیده‌بان حقوق بشر مبنی بر رسیدگی عادلانه به تمامی ادعاهای نقض حقوق بشر در جهان فارغ از ملاحظات سیاسی، این سازمان نیز آماج انتقادهایی در خصوص رعایت ننمودن اصل بی‌طرفی بوده است. انتقاد از نوع رسیدگی سازمان به ادعاهای نقض حقوق بشر در چین، حمایت آن از تجزیه یوگسلاوی سابق و همچنین نگرش منعکس شده در برخی گزارش‌های این سازمان درباره درگیری میان فلسطینیان و ارتش رژیم صهیونیستی از جمله این موارد است. همچنین برخی منتقدان ابراز می‌دارند همانند سازمان عفو بین‌الملل، تأکید عمده دیده‌بان بر روی حقوق مدنی و سیاسی است و به همین دلیل تاکنون انتقادهای زیادی به‌ویژه از سوی کشورهای در حال توسعه علیه دیده‌بان به دلیل غفلت از حوزه

1. Patriot Act

۲. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص و موارد جدیدتر به صفحه اختصاصی امریکا در سایت دیده‌بان حقوق بشر به آدرس ذیل مراجعه نمایید: <http://www.hrw.org/en/united-states>



حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مطرح شده است.

ج - تعامل با جمهوری اسلامی ایران

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در راستای فعالیت خود، از ابتدای انقلاب تاکنون گزارش‌هایی را نیز در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه و منتشر کرده است که عمده جهت‌گیری‌های شدیداً منفی دارند. (Human Rights Watch, 1990) جمهوری اسلامی ایران نیز هیچ‌گاه پاسخ رسمی به این گزارش‌ها نداده و اغلب از دادن اجازه ورود به کارشناسان این سازمان به کشور جهت بررسی و تحقیق در مورد مسائل حقوق بشر امتناع کرده است. بررسی گزارش‌های این سازمان نکات زیر را به طور کلی آشکار می‌سازد:

الف - این سازمان در هیچ‌یک از گزارش‌های سالیانه خود علیه ایران از زبان تند، گزنده و منفی‌نگر، صرف‌نظر ننموده است. نحوه آغاز گزارش‌های مزبور مؤید این مطلب است. عبارت «بدتر شدن وضعیت حقوق بشر» در ایران در ابتدای اغلب این گزارش‌ها به چشم می‌خورد.

ب - تلاش این سازمان برای صدور بیانیه علیه هر ادعای نقض حقوق بشر در ایران از جمله روش‌های معمول این سازمان است، به گونه‌ای که به‌خصوص پس از راه‌اندازی بخشی فارسی بر روی وب‌سایت این سازمان، مسئولان آن تلاش نموده‌اند تا توجه بیشتری به مسائل حقوق بشری داخل ایران نشان دهند. واکنش به اغلب ادعاهای مربوط به نقض حقوق زنان، دانشجویان و روزنامه‌نگاران بازداشتی و همچنین اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران، این ادعا را تقویت می‌کند. به عنوان مثال درخواست برای پایان دادن به سرکوب جامعه بهائیان، لغو بازداشت‌های بدون محاکمه، درخواست تحقیق برای مرگ زندانیان بازداشتی، درخواست اقدام قاطع قوه قضائیه در خصوص جلوگیری از سنگسارهای قریب‌الوقوع (دیده‌بان حقوق بشر، بهمن ۲۰۰۸)، درخواست توقف اعدام و به‌خصوص اعدام نوجوانان (Human Rights Watch, 2005)، ادعای منع نامزدهای اصلاح‌طلب از انتخابات مجلس، ادعای شکنجه و محکومیت به مرگ برخی از اعضای اقلیت کرد یا بلوچ، ادعای هجوم نیروی انتظامی به منازل شخصی افراد به بهانه مبارزه با بی‌عفتی (دیده‌بان حقوق بشر،



۲۰۰۸)، ابراز نگرانی از وضعیت دانشجویان بازداشتی (دیدهبان حقوق بشر، ۲۰۰۴)، اعلام نگرانی از وضعیت تعدادی از بهائیان بازداشتی، نگرانی از روند قضایی مربوط به بررسی موارد منجر به فوت در زندان‌ها، نگرانی از محدودیت‌های اعلامی بر فعالان فضای مجازی (Human Rights Watch, 2004)، درخواست مراقبت‌های پزشکی برای زندانیان، اعتراض به وضعیت بازداشت‌شدگان و محکومان اعتراضات پس از انتخابات ایران (دیدهبان حقوق بشر، ۲۰۰۹)، درخواست از ایران برای همکاری بیشتر با نهادهای حقوق بشری سازمان ملل و... از جمله مواردی است که این سازمان تنها به زبان فارسی در ماه‌های اخیر بر روی وبسایت خود منتشر نموده است.

به طور کلی باید متذکر شد به طور معمول هیچ نکته مثبت و پیشرفت حقوق بشر در ایران در گزارش‌های دیده‌بان حقوق بشر مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد. شاید اشاره به کشته و مجروح شدن افراد عادی در جریان حملات منافقین و یا اشاره به آزار زندانیان در زندان‌های گروهک رجوی در گزارش‌های سال ۲۰۰۵ این سازمان، از معدود موارد مثبتی باشد که دیده‌بان به آن توجه داشته است.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر، مفهوم «حقوق بشر» با قرار گرفتن در کنار دو مفهوم «صلح و امنیت» و همچنین «توسعه»، از منزلت ویژه‌ای در مباحث بین‌المللی برخوردار شده است. ایجاد ارتباط بین کوچک‌ترین تحولات اقتصادی، نظامی، امنیتی و اجتماعی با سطح احترام به موازین بین‌المللی حقوق بشر، نشان از نقشی دارد که این مفهوم در دهه اخیر بر عهده گرفته است.

در این خصوص، بازیگران متعددی ایفای نقش می‌کنند که از آن میان سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی با توجه به توانمندی‌ای که در برجسته‌سازی موارد ادعایی نقض حقوق بشر در یک کشور دارند، حیطة تأثیرگذاری گسترده و وسیعی را به خود اختصاص می‌دهند. در حقیقت فعالیت سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری در این زمینه، ویژگی‌های خاصی دارد که از آن میان می‌توان به پوشش وسیع خبری، توجه به دقائق و نکات جزئی هرکدام از موارد ادعایی نقض، تکرار مداوم

موارد ادعایی در گزارش‌های مختلف، تلاش برای پُرکردن شکاف‌ها و نارسایی‌های اطلاعاتی در نهادهای رسمی بین‌المللی به واسطه دسترسی‌های خاص و منحصر به فرد سازمان‌های غیردولتی به منابع محلی و در نهایت اعمال فشار و دخالت مستقیم در روند بررسی موارد ادعایی نقض حقوق بشر در یک کشور از طریق بهره‌برداری از امتیازات مقام مشورتی خویش، اشاره نمود.

این سازمان‌ها همچنین با توجه به ماهیت مستقل خویش، توان آن را دارند که در صورتی که یک کشور به لحاظ محذوریت‌های خاص سیاسی یا اقتصادی، از پرداختن به وضعیت حقوق بشر در یک کشور خاص طفره رود، بدون توجه به این ملاحظات، گزارش‌های خود در مورد کشور هدف منتشر نموده، افکار عمومی جهانی را به حمایت یا اعتراض له یا علیه وضعیت حقوق بشر در آن کشور وادار سازند. این امر هرچند در مورد ایران نیز صدق می‌کند، اما کاربرد مناسبی برای وضعیت حقوق بشر در کشوری همانند عربستان دارد که میزان آشنایی افکار عمومی با مسائل حقوق بشری در جامعه بسته آن، نه به دلیل محکومیت این کشور در نهادهایی همچون کمیسیون حقوق بشر یا مجمع عمومی، بلکه به دلیل گزارش‌هایی است که نهادهایی مردمی همچون سازمان‌های غیردولتی از نقض حقوق بشر در این کشور می‌دهند. یقیناً این روش برای کشورهایی که می‌خواهند منافع اقتصادی خود را از خطر درگیری‌های حقوق بشری دور نگاه دارند، بسیار کارساز بوده و این ابزار را به دست این کشورها می‌دهد تا دائماً دخالت خود در این اقدامات را انکار نموده، آنها را به سازمان‌های غیردولتی معظم یا گمنامی نسبت دهند که ظاهراً به صورتی مستقل و بدون دخالت و خط‌دهی دولتی در حال فعالیت در حوزه اهداف خویش هستند.

بنابراین در مجموع مشاهده می‌شود گستره و ابزار سازمان‌های غیردولتی در اعمال فشار علیه وضعیت حقوق بشر در یک کشور، به هیچ عنوان محدود نیست. با در نظر گرفتن این واقعیت، می‌توان عنوان نمود بررسی سیاست‌های به‌کاررفته از سوی جمهوری اسلامی ایران در خصوص سازمان‌های غیردولتی بزرگ در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نشان از آن دارد که همواره نوعی بدبینی نسبت به نیت و عملکرد این بازیگران وجود داشته و این تصور غالب بوده که آنها ستون



پنجم کشورهای معاند بوده و هرگونه همکاری با این سازمان‌ها، موجب زیاده‌خواهی آنان خواهد شد.

مطالبی که در این گزارش به‌خصوص درباره عملکرد کلی سازمان‌های غیردولتی و همچنین رویکرد آنان نسبت به جمهوری اسلامی ذکر شد، اگرچه تا اندازه‌ای این پیش‌فرض را مورد تأیید قرار می‌دهد، با این حال نشان می‌دهد حفظ این نوع نگرش یک‌سویه و بدبینانه، دو کارکرد منفی را برای سیاست‌های ایران به همراه خواهد داشت:

نخست اینکه ما خود را از ابزارهایی بسیار توانمند در حوزه جامعه مدنی جهانی که روزبه‌روز نیز در حال گسترش است، محروم می‌کنیم، و دوم آنکه با تداوم سیاست بی‌محلی به این‌گونه نهادها، امکان ارائه اطلاعات صحیح از سوی نظام به این‌گونه سازمان‌ها و جلوگیری از گسترش اطلاعات جهت‌دار و مغرضانه توسط ایشان که اغلب از سوی نهادها و افراد معاند نظام در اختیار آنان قرار می‌گیرد، از میان خواهد رفت. در حقیقت سازمان‌های غیردولتی در حال حاضر تبدیل به منابع اصلی تولید اطلاعات برای نهادها و سازوکارهای حقوق بشری بین‌المللی همچون شورای حقوق بشر، کمیساریای عالی حقوق بشر و همچنین نهادها و کارگزاری‌های مختلف سازمان ملل شده‌اند. بررسی دقیق گزارش‌های نمایندگان ویژه منصوب کمیسیون سابق حقوق بشر در مورد ایران (گالیندویل و کاپیتورن) نشان می‌دهد از هشت گزارش تهیه‌شده توسط این افراد تا سال ۲۰۰۲، در مجموع در هفت گزارش به شکل دقیق و مستند به نام سازمان‌های غیردولتی‌ای که نماینده ویژه از آنان درباره وضعیت حقوق بشر در ایران اطلاعاتی را دریافت نموده، اشاره شده است. نظارت بر پذیرش گزارش سازمان‌های غیردولتی در فرایند بررسی دوره‌ای جهانی یک کشور - تاریخ بررسی گزارش جمهوری اسلامی ایران در این فرایند، نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۸۸ می‌باشد^۱ - نیز نشان از آن دارد که سازمان‌هایی همچون عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر در کنار تعدادی دیگر از سازمان‌های غیردولتی، علیه وضعیت حقوق بشر در ایران گزارش‌هایی را به دفتر

۱. در زمان انتشار این مقاله، نشست مذکور برگزار شد.

کمیساریای عالی ملل متحد برای حقوق بشر ارسال نموده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد تداوم سیاست بی‌محلی و واگرایی نسبت به این سازمان‌ها چاره کار نبوده، نه تنها آنان را از اتهام‌زنی علیه ایران باز نمی‌دارد، بلکه امکان اصلاح خطاها و گزارش‌های کذب آنان علیه نظام را نیز بسیار کم‌رنگ می‌سازد.

در حال حاضر و در موقعیت حساس کنونی، به نظر می‌رسد انتخاب نوعی سیاست هوشمند و فرصت‌محور در راستای برقراری روابط سازنده و همکاری نظام‌دار و توأم با احترام متقابل با سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری، با توجه به نقش آنها در سازماندهی و جهت‌دهی افکار عمومی جهانی، به نفع چهارچوب‌های حقوق بشری نظام جمهوری اسلامی در امر حقوق بشر بوده و باید جدی‌تر از گذشته در دستورکار دستگاه سیاست خارجی کشور قرار گیرد. *





منابع

الف - فارسی

۱. «ایران: به دستگیری‌های گسترده برای «اتهامات اخلاقی» پایان دهید»، *اطلاعیه مطبوعاتی، دیده‌بان حقوق بشر*، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۶.
۲. «ایران: قوه قضائیه باید مانع از سنگسارهای قریب‌الوقوع شود»، *دیده‌بان حقوق بشر*، بهمن ۱۳۸۶.
۳. «ایران: نقش مسئولین امنیتی در آزارهای پس از انتخابات را بررسی کنید»، *دیده‌بان حقوق بشر*، مرداد ۱۳۸۸.
۴. «ایران، پنج سال پس از ناآرامی‌ها: معترضان را آزاد کنید»، *اطلاعیه مطبوعاتی، دیده‌بان حقوق بشر*، ژوئیه ۲۰۰۴.
۵. گلشن‌پژوه، محمودرضا. ۱۳۷۷. «سازمان‌های غیردولتی و نقش آنان در توسعه و ارتقای حقوق بشر»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*.
۶. گلشن‌پژوه، محمودرضا. ۱۳۸۶. «بی‌طرفی در سازمان‌های غیردولتی، یک مطالعه موردی»، *پژوهشنامه حقوق بشر*، سال اول، شماره ۳، مرکز تحقیقات استراتژیک.

ب - لاتین

1. "Amnesty International Seeks To Send Mission To Iran In Effort To Stop Executions", *Amnesty International News Release*, October 12, 1981.
2. "Iran: "Mykonos" Trial Provides Further Evidence of Iranian Policy of Unlawful State Killings", *Amnesty international*, April 10, 1997.
3. Amnesty International, Iran, Annual Report 2005.
4. Amnesty International, Iran, Annual Report 2007.
5. Human Rights Watch, World Report, 1990.
6. Iran: Web Writers Purge Underway, *Human Rights Watch*, 2004.
7. Iran: Alarming Increase in Executions, *Human Rights Watch*, 2005.
8. UN Commission on Human Rights Report on the Situation of Human Rights in

Iran, *Reynaldo Galindo Pohl*, 1994

9. Amnesty International, Iran, Annual Report, November 30, 1983, PP. 332-336.
10. Amnesty International, Iran, Annual Report, January to December 1991.



بررسی کتاب

┌

┐

└

┘